

طبقه‌بندی افعال زبان فارسی بر اساس ساخت رویدادی و نمودی

زهرا چراغی^۱

دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه تهران

غلامحسین کریمی دوستان

استاد دانشگاه تهران

(از ص ۴۱ تا ۶۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۰۵/۰۵

چکیده

ارتباط بین فعل و موضوع‌های آن از مسائل بحث‌برانگیز است. در این زمینه نظریه‌هایی مطرح شده است و همگی در پی یافتن پاسخ این مسئله‌اند که چگونه معنای فعل در تعیین موضوع‌هایش در سطوح نحوی و معنایی و هم-چنین بازنمایی موضوع^۲ نقش ایفا می‌کند. به گفته لویین (۲۰۰۵) ساخت نمودی^۳ و ساخت رویدادی^۴ اولین عامل معنایی تعیین‌کننده در بازنمایی موضوع هستند؛ لذا به دلیل اهمیت ساخت رویدادی و نمودی، در این مقاله سعی شده است تا از منظر ساخت نمودی افعال زبان فارسی طبقه‌بندی شوند. به همین منظور ابتدا به مباحث نظری و طبقه‌بندی‌های موجود در این زمینه پرداخته شده است و سپس پیکره‌ای متشکل از ۶۰ فعل فارسی به پیروی از نظریه کرافت (۲۰۱۲) مورد بررسی قرار گرفتند. در نتیجه بررسی افعال به ۴ طبقه اصلی و ۱۰ طبقه فرعی تقسیم شدند.

واژه‌های کلیدی: ساخت رویدادی، ساخت نمودی، افعال ایستا^۵، افعال حصولی^۶، افعال فعالیتی^۷، افعال غایتمند^۸.

z.cheraghi@yahoo.com

^۲.argument realization

^۳.aspectual structure

^۴.event structure

^۵.stative

^۶.achivement

^۷.activity

^۸.accomplishment

^۱.رایانامه نویسنده مسئول مقاله:

۱- مقدمه

از دهه‌ی ۱۹۸۰ بسیاری از نظریه‌های نحوی بر پایه‌ی این فرض بوده‌اند که بازنمایی نحوی موضوع‌ها، نوع مقوله بندی آنها و عملکرد نحوی‌شان تا حد زیادی از معنای افعال و محمول‌ها قابل پیش‌بینی است. چنین نظریه‌هایی بر این فرض هستند که بسیاری از جنبه‌های ساختار نحوی یک جمله، فرافکنی از ویژگی‌های واژگانی گزاره آن جمله و یا واحد واژگانی دارای نقش معنایی در آن جمله است. به عنوان مثال چگونگی انتخاب فعل کمکی می‌تواند انعکاسی از ملاحظات معنایی و چگونگی بازنمایی موضوع‌های فعل باشد. در زبان ایتالیایی بعضی از افعال لازم با فعل کمکی بودن "esser" و بعضی با فعل کمکی داشتن "avere" به کار می‌روند. پرل موتر^۱ (۱۹۷۸) با ارایه فرضیه نامفعولی^۲ به توجیه این مسئله می‌پردازد. او افعال لازم را به دو دسته‌ی غیرکنایی^۳ و نامفعولی تقسیم می‌کند و اشاره می‌کند که افعال نامفعولی که در آنها فاعل روساختی مفعول زیرساختی است، با فعل بودن "essere" به کار می‌روند و افعال غیرکنایی که در آنها فاعل رو ساختی همان فاعل زیر ساختی است، با فعل داشتن "avere" به کار می‌روند.

همواره آشکارترین مؤلفه‌های معنایی لزوماً تعیین‌کننده‌ترین عوامل در رفتار نحوی نیستند و تشخیص نادرست مؤلفه‌های معنایی تأثیرگذار در رفتار نحوی ممکن است به بروز مشکلاتی بیانجامد. به عنوان مثال لیکاف (۱۹۶۶) بدساختی جمله (۱) را به این دلیل می‌داند که تنها افعال غیر ایستا می‌توانند متمم فعل "persuade" باشند.

1. *My mother persuaded me to know French.

2. My mother persuaded me to learn French.

(لوین و ریپورت، ۲۰۰۷: ۱۳)

در صورتی که با وجود جمله‌ی (۳) بدساختی این گونه جملات، مربوط به وجود یا عدم وجود «کنش‌گر» در جمله است. یعنی «تلفن» نمی‌تواند در این جمله نقش کنش‌گر را ایفا کند.

3. *My mother persuaded the telephone to ring.

به طور کلی ارتباط بین بازنمایی معنایی واژگانی افعال و بازنمایی نحوی موضوع بر پایه‌ی این فرض عمومی می‌باشد که در دستور جهانی اصولی وجود دارند که بازنمایی موضوع‌ها را تحت کنترل خود در می‌آورند. البته این اصول برای هر فعل به صورت

^۱.Perlmutter

^۲.unaccusative hypothesis

^۳.unergative

جداگانه به کار نمی‌روند، بلکه هر کدام مربوط به دسته‌ای از افعال هستند که از نظر معنایی دارای انسجام هستند. بنابراین مشاهده می‌شود که بین معنای فعل، نقش موضوع‌ها، باز نمایی نحوی آنها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و این ارتباط در مواردی آن چنان محکم است که رمچند (۲۰۰۸) ادعا می‌کند که واژگان را به عنوان یک حوزه جداگانه با اصول و ویژگی خاص خود، در نظر نمی‌گیرد.

یکی از مسائلی که در زمینه تأثیر ملاحظات معنایی بر بازنمایی موضوع بسیار به آن پرداخته شده است، ساخت رویدادی و ساخت نمودی می‌باشد. رویدادها اتفاق‌هایی هستند که در دنیا رخ می‌دهند و به وسیله افعال به تصویر کشیده می‌شوند. نمود نیز به آن دسته از مؤلفه‌های معنایی گفته می‌شود که انعکاس‌دهنده تحقق حوادث در جهان خارج هستند. از نظر کامری (۱۹۷۶) نمود، نحوه انجام فعل از نظر خود فعل و سازواری درونی زمانی یک موقعیت است. نمود مربوط به ویژگی‌های ساختاری خود رویداد می‌باشد.

کرافت (۲۰۱۲) به نقل از لوین (۲۰۰۵) می‌گوید، وقتی گفته می‌شود معنا در بازنمایی موضوع نقش دارد منظور، ساخت رویدادی می‌باشد. بنابراین به دلیل اهمیتی که ساخت رویدادی دارد سعی ما در این مقاله بر آن است تا پس از بررسی مباحث نظری در این مورد به انواع طبقه‌بندی افعال بر اساس ساخت رویدادی بپردازیم و سپس افعال زبان فارسی را با توجه به رویکرد کرافت (۲۰۱۲) به چهار طبقه فعلی اصلی و ده طبقه فرعی تقسیم نماییم.

۲- مبانی نظری طبقه بندی افعال بر اساس نمود و ساخت رویدادی

زبان‌شناسان مختلفی با توجه به مسئله نمود به طبقه‌بندی افعال از نظر ساخت رویدادی پرداخته‌اند. در مطالعه نمود، زبان‌شناسان بین نمود دستوری و نمود واژگانی تمایز قائل شده‌اند. نمود دستوری در واقع تمایزی است که بین نمود دستوری کامل^۱ و نمود دستوری ناقص^۲ افعال برقرار می‌شود. به عنوان مثال تمایز بین دو جمله (۴ الف و ب) تمایز دستوری بین حالت استمرار و حالت ساده‌ی فعل است.

(۴) الف: او در حال ساختن خانه‌اش می‌باشد. نمود دستوری ناقص
ب: او خانه‌اش را ساخت و سپس فروخت. نمود دستوری کامل

^۱.perfective aspect

^۲.imperfective aspect

اما نمود واژگانی مربوط به خصوصیات ذاتی ساختار یک موقعیت است. مثلاً فعل «دوست داشتن» فعلی است که بر موقعیتی ایستا و غیرپویا دلالت دارد. فعل «شکستن» بر فرآیندی لحظه‌ای دلالت دارد و یا فعل «ساختن» اشاره به فعلی دارد که یک نقطه نهایی دارد و غایتمند می‌باشد. در ادامه به انواع طبقه‌بندی افعال بر اساس ساخت رویدادی و نمودی پرداخته می‌شود.

۲-۱- طبقه‌بندی دوگانه‌ی افعال بر اساس ساخت رویدادی

اولین بار طبقه‌بندی افعال براساس رویداد توسط ارسطو صورت گرفت. هدف اصلی او تمایز بین افعال ایستا و افعال غیرایستا بود. ارسطو افعال غیرایستا را نیز به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند.

۱- افعالی که دارای یک نقطه‌ی نهایی طبیعی هستند. مثل فعل «ساختن»

۲- افعالی که بدون داشتن یک نقطه‌ی نهایی طبیعی می‌توانند استمرار یابند. مثل فعل «دیدن»

از نظر ارسطو افعالی که دارای نقطه‌ی نهایی هستند افعالی کامل می‌باشند و در دسته‌ی افعال نهایت‌پذیر^۱ قرار می‌گیرند و افعالی که نقطه‌ی نهایی ندارند می‌توانند استمرار داشته باشند و نهایت‌ناپذیر^۲ می‌باشند.

پس از ارسطو رایل (۱۹۴۹) و کینی (۱۹۶۳) به طور جدی‌تر و دقیق‌تر تقسیم‌بندی او را ادامه می‌دهند. رایل افعال را به دو دسته‌ی حصولی و غایتمند تقسیم می‌کند و کینی سه دسته‌ی افعال ایستا، فعالیتی و کنشی^۳ را معرفی می‌کند. او افعال غایتمند را از دسته‌ی افعال کنشی می‌داند و از نظر او افعال کنشی دارای رویدادهایی هستند که یک نقطه‌ی نهایی طبیعی دارند. کینی برای تمیز افعال فعالیتی از مسئله‌ی استلزام معنایی استفاده می‌کند. به این صورت که در افعال فعالیتی و نهایت‌ناپذیر شکل استمراری فعل مستلزم صدق همان فعل به صورت گذشته می‌باشد.

^۱.telic

^۲.atelic

^۳.performative

۲-۲- طبقه بندی چهارگانه ی افعال بر اساس ساخت رویدادی

شاید تأثیرگذارترین طبقه بندی مربوط به وندلر (۱۹۶۷، ۱۹۵۷) باشد. وندلر یک طبقه بندی چهارگانه را مطرح می سازد که به همراه آزمون هایی که دوتی (۱۹۷۹) برای این طبقه ها ارائه می دهد، روی هم رفته سیستم طبقه بندی وسیعی را فراهم آورده اند. به عقیده ی وندلر طبقات پیشنهادی وی، طبقات هستی شناختی هستند، یعنی اگر دانش زبانی و دنیایی ما در یک نقطه به هم گره بخورند، آن نقطه در سطح واژگان است نه ساختار (وندلر؛ ۱۹۵۷).

وندلر با استفاده از سه ویژگی معنایی ۱- ایستا در مقابل پویا ۲- تداومی^۱ در مقابل لحظه ای^۲ و ۳- مقید^۳ و نهایت پذیر در مقابل غیرمقید^۴ و نهایت ناپذیر، قائل به طبقه بندی زیر است.

۱- افعال ایستا: افعال و یا محمول هایی که بر موقعیت هایی ایستا و غیرپویا دلالت دارند و بیانگر رویدادهایی هستند که در طول زمان دچار تغییر نمی شوند. مانند: «دوست داشتن»

۲- افعال فعالیتی: افعالی که بر موقعیت هایی پویا دلالت دارند و بیانگر فرایندهایی هستند که در طول زمان دچار تغییر می شوند. استمرار می یابند و لزوماً نقطه ی پایانی ندارند. مانند: «دویدن»

۳- افعال حصولی: افعالی هستند که در یک لحظه از زمان اتفاق می افتند، به صورت آنی هستند و به محض شروع شدن، پایان می یابند و به طور کلی استمرار نمی پذیرند. مانند: «رسیدن»

۴- افعال غایتمند: افعالی هستند که یک نقطه ی نهایی طبیعی دارند و فرآیندهایی پویا می باشند. مانند: «ساختن»

پس از وندلر زبان شناسان دیگری نیز از جمله (ون ولین، ۲۰۰۵) و (روستین، ۲۰۰۴) به ارائه ی انواع طبقه بندی افعال بر اساس ساخت رویدادی پرداختند. به عنوان مثال روستین (۲۰۰۴) از دو ویژگی [+نهایت پذیری] و [+مرحله ای] با دو ارزش [-و-] استفاده می کند و چهار طبقه وندلر را به گونه ی زیر توصیف می نماید.

ایستا: [- مرحله ای، - نهایت پذیر] حصولی: [- مرحله ای، + نهایت پذیر]
 فعالیتی: [+ مرحله ای، - نهایت پذیر] غایتمند: [+مرحله ای، + نهایت پذیر]

¹.durative

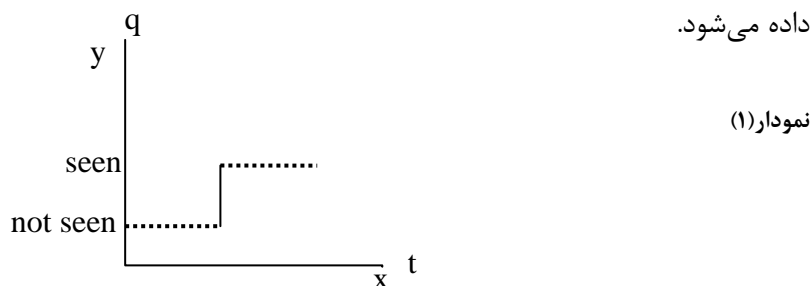
².punctual

³.bounded

⁴.unbounded

۲-۳- تحلیل دو بُعدی از انواع نمودها

کرافت (۲۰۱۲) معتقد است برای بررسی یک رویداد باید دو بعد را در نظر گرفت. بنابراین در مدلی که ارائه می‌دهد، دو بُعد وجود دارد. بُعد زمان و دیگری بعدی که به حالت‌ها و یا مراحل کیفی و تغییراتی که در یک رویداد رخ می‌دهند، اشاره می‌کند. این دو بُعد روی یک نمودار نشان داده می‌شوند که محور (x) نشان‌دهنده بعد زمان (t) و محور (y) نشان‌دهنده مراحل کیفی و تغییرات (q) رویداد می‌باشد. در این نمودار محور زمان پیوسته است ولی محور مراحل کیفی با توجه به نوع رویداد می‌تواند پیوسته یا ناپیوسته باشد. پیوستگی یا ناپیوستگی این محور تغییرات وابسته به واحد واژگانی می‌باشد که به شرح رویداد می‌پردازد. برای مثال فعل «دیدن» دو حالت یا مرحله تعریف شده روی محور (q) دارد که به صورت «ندیدن چیزی» و «دیدن چیزی» می‌باشند. بنابراین محور (q) برای فعل «دیدن» شامل دو نقطه می‌باشد که در نمودار (۱) نشان داده می‌شود.



کرافت (۲۰۱۲) به طور کلی طبقه‌بندی وندلر را می‌پذیرد اما معتقد است با توجه به این نمودار می‌توان برای هر کدام از طبقات زیرمجموعه‌هایی را آورد و تفاوت و شباهت این زیرمجموعه‌ها را با توسل به این نمودار نشان داد.

زیرمجموعه‌های افعال ایستا: ۱- افعال ایستای گذرا^۱ ۲- افعال ایستای پایدار

اکتسابی^۲ ۳- افعال ایستای پایدار ذاتی^۳ ۴- افعال ایستای لحظه‌ای^۴

زیرمجموعه‌های افعال حصولی: ۱- افعال حصولی برگشت‌پذیر مستقیم^۵ ۲- افعال

حصولی برگشت‌ناپذیر مستقیم^۶ ۳- افعال حصولی دوره‌ای یا چرخشی^۱

^۱.transitory states

^۲.permanent acquired states

^۳.permanent inherent states

^۴.point states

^۵.reversible directed achievement

^۶.irreversible directed achievement

زیرمجموعه‌های افعال فعالیتی: ۱- افعال فعالیتی مستقیم^۲ ۲- افعال فعالیتی غیرمستقیم^۳
زیرمجموعه‌های افعال غایتمند: ۱- غایتمند مستقیم^۴ ۲- غایتمند غیرمستقیم^۵

۳- طبقه‌بندی افعال زبان فارسی بر اساس ساخت رویدادی

با بررسی طبقه‌بندی‌های ارائه شده توسط زبان‌شناسان مختلف، به نظر می‌رسد اصل و اساس همه این طبقه‌بندی‌ها، طبقه‌بندی وندلر (۱۹۵۷) باشد و زبان‌شناسان پس از آن با اندکی تغییرات و براساس دو ویژگی \pm نهایت‌پذیری یا مقید بودن] و \pm دیرشی یا تداومی بودن] مدل‌های دیگری را ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد نکته‌ای که در همه این طبقه‌بندی‌ها مورد غفلت واقع شده تفاوتی است که در بین افعال یک طبقه مشاهده می‌شود به این نکته در طبقه‌بندی کرافت (۲۰۱۲) به خوبی پرداخته شده که از نقاط قوت این طبقه‌بندی است. در این قسمت به منظور دنبال کردن هدف اصلی پژوهش حاضر یعنی «طبقه بندی افعال زبان فارسی بر اساس ساخت رویدادی» پیکره‌ای متشکل از ۶۰ فعل به صورت تصادفی از میان متون مختلف انتخاب شده است.

این افعال هم شامل افعال بسیط و هم مرکب هستند. در ابتدا بر اساس طبقه‌بندی کلی وندلر، افعال موجود در پیکره را به چهار گروه اصلی تقسیم می‌کنیم. سپس به پیروی از کرافت (۲۰۱۲) برای هر کدام از طبقات کلی وندلر به زیرمجموعه‌هایی قائل می‌شویم که در مجموع ۱۰ طبقه‌ی فعلی را به دست می‌آوریم و با ارائه‌ی ۱۰ نمودار جداگانه به تفاوت‌ها و شباهت‌های افعال براساس نمود می‌پردازیم. (البته تمام زیر مجموعه‌های کرافت مانند ایستای لحظه‌ای در میان افعال فارسی مشاهده نشد و یا برای ایستای پایدار ذاتی بیشتر نمونه‌هایی از محمول‌های صفتی یافته شد تا فعلی) لازم به ذکر است، سطح تحلیل در داده‌های فارسی براساس سطح فعل (V) می‌باشد و نه گروه فعلی (VP).

1. cyclic achievement or semelfactive
2. directed activity
3. indircted activity
4. directed accomplishment
5. indircted accomplishment

۳-۱- افعال ایستا و زیرمجموعه‌های آن

با توجه به طبقه‌بندی وندلر و براساس مشخصات [±نهایت پذیری] و [±مرحله‌ای] روستین (۲۰۰۴) محمول‌های زیر، همه از دسته افعال و محمول‌های ایستا هستند. دانستن، دوست داشتن، داشتن، معتقد بودن، باز بودن، بسته بودن، خوشحال بودن، ناراحت بودن، عصبانی بودن، شکسته بودن، سوخته بودن، فرسوده بودن، مرطوب بودن، شکستنی بودن، ایرانی بودن. این محمول‌ها خصوصیات مشترکی دارند که براساس این خصوصیات می‌توان آنها را در دسته‌ی افعال ایستا قرار داد.

۱- این محمول‌ها ویژگی انباشتگی دارند. به این معنا که اگر فرضاً علی از سال ۱۳۶۵-۷۵ حسن را دوست داشته است و از سال ۸۵-۱۳۷۵ نیز او را دوست داشته است، می‌توان نتیجه گرفت که علی از سال ۸۵-۱۳۶۵ حسن را دوست داشته است و به این ویژگی، ویژگی انباشتگی می‌گوییم.

۲- این محمول‌ها ویژگی همگن بودن یا تجانس دارند. یعنی اگر محمولی در یک فاصله زمانی صادق باشد، در هر لحظه از آن فاصله زمانی نیز صادق است. در این افعال، بخشی از رویداد بر کل رویداد دلالت دارد.

۳- این محمول‌ها غیرپویا و یا ایستا هستند. در این افعال تغییر حالت نداریم و در نتیجه این افعال غیرمرحله‌ای هستند. این خصوصیت را می‌توان با قید «به تدریج» نشان داد.

(۵) * علی به تدریج حسن را دوست داشت.

۴- اغلب این محمول‌ها شکل استمرار به خود نمی‌گیرند.

(۶) * علی در حال اعتقاد داشتن است.

۵- این محمول‌ها به صورت امری در نمی‌آیند.

(۷) * اعتقاد داشته باش.

۶- این محمول‌ها عموماً در ساخت‌های شبه اسنادی به کار نمی‌روند.

(۸) * آنچه من و دوستم انجام دادیم، اعتقاد داشتن بود.

۷- این محمول‌ها دیرشی هستند و با قیود دیرشی به کار می‌روند که نشان‌دهنده ویژگی تداومی آنها است.

(۹) علی سال‌هاست که حسن را دوست دارد.

۸- این محمول‌ها با قیودی که نشان‌دهنده کنش‌گری می‌باشند به کار نمی‌روند.

(۱۰) * علی عمداً عصبانی است.

۹- این محمول‌ها با قید «به مدت» به کار می‌روند که نشان‌دهنده نهایت ناپذیر بودن آنهاست.

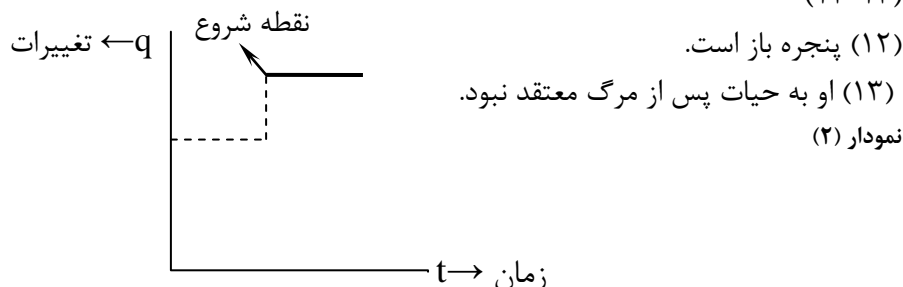
(۱۱) علی به مدت دو روز است که عصبانی است.

با توجه به خصوصیات مطرح شده می‌توان گفت تمامی محمول‌های مطرح شده از دسته افعال ایستا هستند. اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان تفاوت‌هایی را بین آنها مشاهده نمود. با استفاده از مدل ارائه شده توسط کرافت و نمودار (t) و (q) می‌توان این افعال ایستا را به سه دسته تقسیم نمود و نقاط اشتراک و اختلاف آنها را بر روی نمودار نشان داد.

۱- افعال ایستای گذرا: این افعال و محمول‌ها بیانگر حالتی هستند که به صورت گذرا

است و امکان اینکه در آینده تغییری در این حالت پدید آید وجود دارد. مثلاً حالت «عصبانی بودن» و یا «باز بودن در» می‌تواند موقتی باشد و استمرار دائمی نداشته باشد. نمودار (۱) نمودار این گروه است. در این نمودار (q) محور تغییرات است که در افعال ایستا چون تغییری در ساختار درونی افعال رخ نمی‌دهد، لذا در این محور تنها یک نقطه داریم و انتهای خط‌چین نشان‌دهنده شروع رویداد و امتداد آن روی محور زمان است.

(۱۲-۱۳)

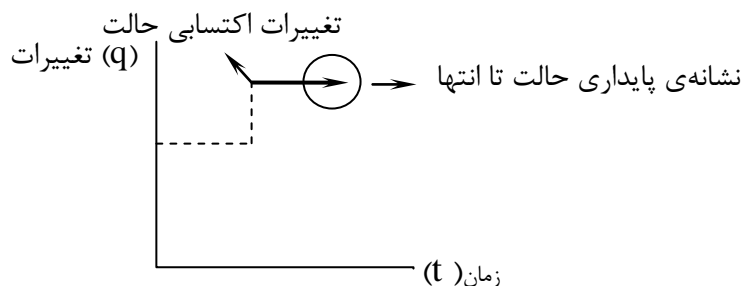


۲- افعال ایستای پایدار اکتسابی: در این افعال و محمول‌ها پس از این که حالتی

کسب شد این حالت و یا وضعیت کسب شده تا پایان عمر آن ماهیت ادامه دارد. مثلاً وقتی گفته می‌شود، شیشه شکسته است و یا ماشین فرسوده است، حالات «شکستگی» و یا «فرسودگی» پس از اکتساب در شیشه و یا ماشین ادامه دارد و امکان تغییر حالت وجود ندارد. در این افعال محور زمان (t) و تغییرات (q) به موازات هم پیش می‌روند و تا آخر ادامه دارد. (۱۴-۱۵)

(۱۴) شاخه درخت شکسته است.

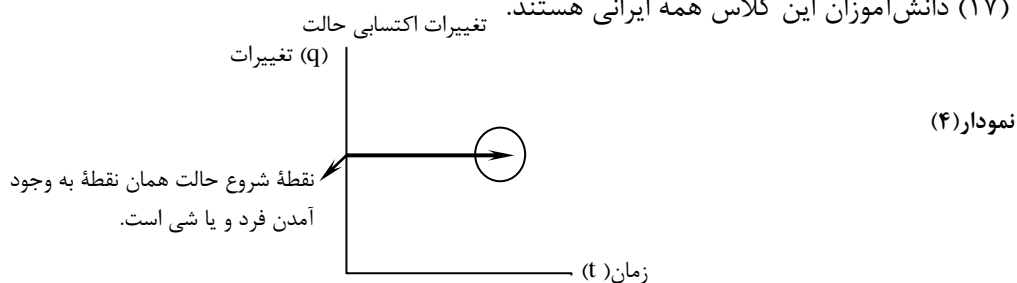
(۱۵) معلم جواب مسئله را می‌داند.



۳- ایستای پایدار ذاتی: در این‌گونه افعال و محمول‌ها، یک حالت ذاتی از ابتدا در یک شی، فرد و یا ماهیت وجود داشته است و تا پایان عمر آن فرد، شی و یا ماهیت ادامه می‌یابد. در این افعال نقطه شروع حالت همان نقطه به وجود آمدن آن فرد، شی و یا ماهیت می‌باشد. به عنوان مثال خشک بودن یک بیابان، ایرانی بودن یک فرد، فرانسوی بودن فردی و یا مرطوب بودن یک ناحیه، حالات ذاتی و پایدار هستند. (۱۷-۱۶)

(۱۶) این ناحیه همواره مرطوب است.

(۱۷) دانش‌آموزان این کلاس همه ایرانی هستند.



حال با استفاده از این نمودارها می‌توان ویژگی مشترک و غیر مشترک این سه دسته از محمول‌های ایستا را نشان داد. ویژگی مشترکی که باعث می‌شود همه این سه دسته را افعال ایستا بنامیم به این جهت است که در نمودار ارائه شده برای همه آنها تنها یک نقطه روی محور تغییرات (q) وجود دارد. یعنی در این افعال هیچ تغییری در ساختار درونی محمول حاصل نمی‌شود. ویژگی‌ای که باعث می‌شود این افعال از هم جدا شوند، گستردگی متفاوت آنها روی محور زمان (t) می‌باشد. یعنی هر کدام از این دسته‌ها به نوعی متفاوت روی محور زمان قرار می‌گیرند. در مورد ایستاهای گذرا چون امکان تغییر حالت در آینده وجود دارد به عنوان مثال می‌توان گفت:

(۱۸) تا یک ساعت دیگر ممکن است در باز شود.

اما در مورد ایستاهای پایدار ذاتی و اکتسابی این امکان وجود ندارد، یعنی اگر چنین امکانی را برای آنها در نظر بگیریم گزاره‌های کاذبی داریم و امکان صدق آنها در آینده نیست. مثلاً اگر علی فردی ایرانی باشد، نمی‌توان گفت:

(۱۹) * تا سال آینده علی آلمانی می‌شود.

در مورد تفاوت ایستاهای پایدار ذاتی و اکتسابی نیز می‌توان از امکان صدق و کذب گزاره‌ها در زمان‌های متفاوت (حال، گذشته، آینده) استفاده کرد. مثلاً اگر یک محمول ایستای پایدار اکتسابی را در نظر بگیریم مانند «فرسوده بودن» و بدانیم فرضاً ماشین علی امسال کهنه و فرسوده شده است، می‌توانیم بگوییم:

(۲۰) سال گذشته ماشین علی فرسوده نبود.

اما در مورد ایستاهای ذاتی این گزاره‌ها همواره صادق هستند. بنابراین اگر علی فردی ایرانی باشد، نمی‌توان گفت:

(۲۱) * علی سال گذشته ایرانی نبود.

با استفاده از این نمودار می‌توان همگن بودن این افعال را نیز توجیه کرد. چون افعال ایستا در روی محور تغییرات یک نقطه را نمایش می‌دهند این واقعیت اجازه می‌دهد که محور زمان بتواند انواع ایستاهای را از هم متمایز کند.

۳-۲- افعال حصولی و زیرمجموعه‌های آن

با توجه به طبقه‌بندی وندلر و براساس مشخصات [± نهایت‌پذیری] و [± مرحله‌ای] روستین (۲۰۰۴) محمول‌های زیر از دسته‌ی محمول‌های حصولی هستند. رسیدن، برداشتن، مردن، بسته شدن، باز شدن، خوشحال شدن، متأسف شدن، گشوده شدن، صلح کردن، تصادف کردن، دیدن، گذاشتن، شکسته شدن، پژمرده شدن، عصبانی شدن، جیغ زدن، نق‌نق کردن، چراغ زدن
این افعال خصوصیات مشترکی دارند که عبارتند از:

- ۱- این افعال ویژگی انباشتگی ندارند و از جمع دو رویداد به یک رویداد واحد نمی‌رسیم. مثلاً وقتی یک ماشین ساعت ۴ تصادف می‌کند و ساعت ۵ هم تصادف دیگری دارد، دو بار رویداد «تصادف کردن» اتفاق افتاده است.
- ۲- این افعال ناهمگن و نامتجانسند؛ به این معنا که مثلاً بخشی از «مُردن» بر خودِ «مُردن» دلالت ندارد. دلیل ناهمگن بودن این افعال این است که ساختار درونی ندارند و منجر به این می‌شود که نهایت‌پذیر تلقی شوند.

۳- این افعال لحظه‌ای هستند و مادامی که در حال وقوعند، اتفاق افتاده‌اند و نقطه‌ی شروع و پایان آنها یکی است.

۴- این افعال عموماً شکل استمراری ندارند. چون آنی هستند و نمی‌توان آنها را به بخش‌های زمانی تقسیم نمود. در نتیجه استمراری نمی‌شوند. شاید در برخی موارد بتوان آنها را استمراری کرد و خوش‌ساخت هم باشند اما گفت این استمرار بر مراحل مقدماتی رسیدن به خود فعل دلالت دارد. مثلاً جمله‌ای نظیر «آنها در حال صلح کردن هستند» دلالت بر مراحل مقدماتی و رسیدن به صلح دارد و فعل «صلح کردن» به صورت لحظه‌ای اتفاق می‌افتد.

۵- برخی از این افعال با قیود دیرشی همراه نمی‌شوند.

(۲۲) * آنها به مدت ۲ روز با هم صلح کردند.

۶- برخی از این افعال با قیودی مانند «با جدیت» و «به شدت» همراه نمی‌شوند و در نتیجه پویا نیستند.

(۲۳) * آنها به شدت با هم صلح کردند.

تمامی افعال مطرح شده با توجه به این ویژگی‌ها جزء دسته‌ی افعال حصولی قرار می‌گیرند اما با استفاده از نمودار می‌توان این افعال حصولی را به سه دسته تقسیم نمود و علت تفاوت آنها را بیان کرد.

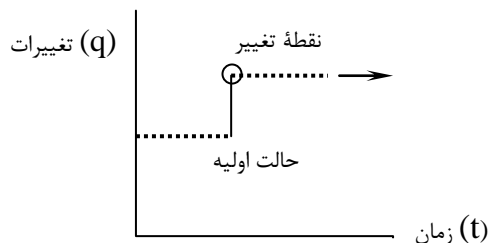
۱- افعال حصولی بازگشتی مستقیم:

این افعال و محمول‌ها پس از انجام، دوباره می‌توانند به حالت اولیه برگردند و حالت بازگشتی دارند. برای مثال وقتی می‌گوییم «در باز شد» این در می‌تواند دوباره بسته شود و حالت «باز بودن» تداوم ندارد. (۲۴-۲۶)

(۲۴) پنجره‌ها بسته شدند.

(۲۵) علی از مرگ دوستش متأسف شد.

(۲۶) درها به روی مهمانان گشوده شدند.
نشان‌دهنده‌ی حالت بازگشتی



نمودار (۵)

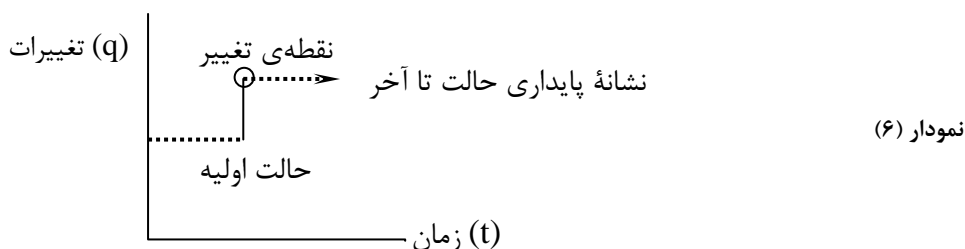
۲- افعال حصولی غیر بازگشتی مستقیم:

در این افعال حالت کسب شده یا فعل انجام شده به صورت پایدار باقی می ماند و حالت بازگشتی ندارند به عنوان مثال وقتی می گوئیم «شیشه شکسته شد» حالت شکستن که در شیشه به وجود آمده است دیگر بازگشت به حالت اولیه نخواهد داشت و یا در «گلها پژمرده شدند» پژمردگی تا انتها باقی خواهد ماند. (۲۷-۲۹)

(۲۷) شیشه شکسته شد.

(۲۸) گلها پژمرده شدند.

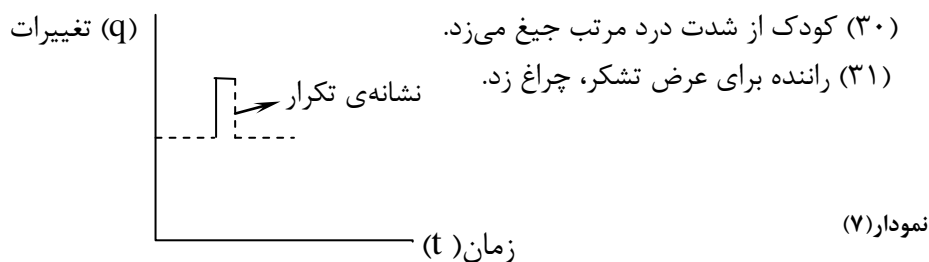
(۲۹) دو دستگاه پژو دیروز در اتوبان کرج با هم تصادف کردند.



۳- افعال حصولی دوره ای (چرخشی)

این افعال به صورت لحظه ای و آنی اتفاق می افتند اما حالت بازگشتی دارند و می توانند چندین بار تکرار شوند. مثلاً افعالی نظیر «جیع زدن»، «چراغ زدن» افعالی هستند که آنی اتفاق می افتند اما چند بار پشت سر هم تکرار می شوند.

وندلر تنها به حصولی های مستقیم اشاره می کند اما کرافت نوع سوّم را حصولی غیرمستقیم می داند. آنچه روی محور نشان داده می شود، گذر از مرحله سکوت به انجام دوباره فعل است و گرنه خود فعل یک لحظه اتفاق می افتد و تغییر لحظه ای را نشان می دهد. (۳۰-۳۱)



(۳۰) کودک از شدت درد مرتب جیغ می زد.

(۳۱) راننده برای عرض تشکر، چراغ زد.

با توجه به طبقه بندی افعال حصولی به این نتیجه می رسیم که ویژگی مشترک آنها داشتن یک نقطه روی محور زمان (t) است و ویژگی غیر مشترک آنها این است که

تغییرات آنها روی محور (q) به صورت متفاوت است. در افعال حصولی بازگشتی نتیجه حاصل موقتی است ولی در افعال حصولی غیر بازگشتی نتیجه حاصل پایدار است. در این دو نوع فعل وضعیت و حالت نتیجه در نقطه‌ای متفاوت از حالت اولیه روی نمودار نشان داده می‌شود. تفاوتی که افعال حصولی چرخشی با دو دسته‌ی دیگر دارند این است که می‌توانند با قیود دیرشی مانند «به مدت» همراه شوند.

(۳۲) کودک به مدت نیم ساعت جیغ می‌کشد.

(۳۳) *آنها به مدت ۲ روز با هم تصادف کردند.

(۳۴) *علی به مدت یک هفته عصبانی شد.

در مورد جمله‌ی (۳۴) می‌توان گفت عصبانی بود و نه عصبانی شد.

تفاوت افعال حصولی بازگشتی نیز با افعال حصولی غیر بازگشتی دیگر در آنست که در این افعال و محمول‌ها احتمال بازگشت به حالت اولیه وجود دارد. به عنوان مثال اگر جمله‌ی (۲۴) را در نظر بگیریم می‌توانیم احتمال باز شدن پنجره را در زمان آینده برای آن پیش‌بینی کنیم ولی این احتمال یعنی بازگشت به حالت اولیه در مورد جمله (۲۸) وجود ندارد به این معنا که گلی که پژمرده شود دیگر تازه نخواهد شد.

(۳۵) تا یک ساعت دیگر پنجره‌ها باز می‌شوند.

(۳۶) *تا یک ساعت دیگر گل‌ها تازه می‌شوند.

۳-۳- افعال فعالیتی و زیرمجموعه‌های آن

با توجه به طبقه‌بندی وندلر و براساس مشخصات [± نهایت‌پذیر] و [± مرحله‌ای] روستین (۲۰۰۴) افعال و محمول‌های زیر همه از دسته افعال فعالیتی هستند که خصوصیات مشترکی نظیر خصوصیات زیر را دارند.

دویدن، گفتگو کردن، جنگیدن، کاسته شدن، اضافه شدن، هل دادن، کشیدن، گریستن، خنک شدن، گرم شدن، یخ کردن، آواز خواندن، نواختن، رقصیدن، رانندگی کردن، مشورت کردن

۱- این افعال، پویا هستند و حالت ایستا ندارند.

۲- این افعال دارای مراحل هستند و می‌توانند صورت استمراری داشته باشند.

(۳۷) علی در حال دویدن است.

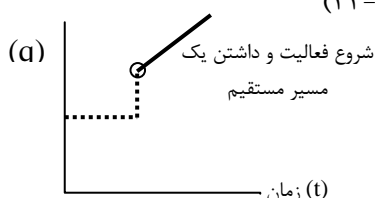
۳- این افعال ویژگی انباشتگی دارند. مثلاً اگر علی از ساعت ۴ تا ۵ دویده و از ۵ تا

۶ هم دویده، می‌توان گفت :

- (۳۸) علی از ساعت ۴ تا ۶ دویده است.
- ۴- این افعال همگن و متجانسند. به عنوان مثال اگر علی ۲ ساعت دویده است، در هر لحظه از این ۲ ساعت رویداد «دویدن» صورت گرفته است. به عبارتی در این افعال بخشی از رویداد بر کل رویداد دلالت می‌کند.
- ۵- برخی از این افعال استلزام معنایی دارند و استلزام معنایی نشان‌دهنده نهایت ناپذیری این افعال می‌باشد. مثلاً جمله‌ی «علی در حال دویدن است.» می‌تواند مستلزم این معنا باشد که «علی دویده است».^۱
- ۶- برخی از این افعال با قیودی مانند «با جدیت» و یا «به شدت» که نشانه پویا بودن است، همراه می‌شوند. (۳۹) آنها با جدیت با یکدیگر جنگیدند.
- ۷- این افعال به سؤال «چه اتفاقی در حال رخ دادن است» جواب مثبت می‌دهند که نشانگر پویایی آنهاست.
- (۴۰) چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ آنها دارند با یکدیگر می‌جنگند.
- ۸- این افعال با قید «به مدت ...» به کار می‌روند و نشان‌دهنده تداومی بودن آنهاست.
- (۴۱) آنها به مدت ۲ سال با هم جنگیدند.
- ۹- برخی از این افعال با قیودی نظیر «عمداً» به کار می‌روند که نشان‌دهنده کنش‌گری می‌باشد.
- (۴۲) آنها عمداً با هم دعوا کردند.
- با نگاهی دقیق می‌توان دید که همه‌ی این خصوصیات برای افعال ذکر شده کاربرد ندارند و برخی از این افعال با داشتن این خصوصیات منجر به این می‌شوند که جملاتی بد ساخت داشته باشیم. به عنوان مثال جمله‌ی «سوپ خنک شد» با قید عمداً هرگز به کار نمی‌رود. اما با استفاده از نمودار (t) و (q) می‌توانیم افعالی نظیر «خنک شدن»، «گرم شدن» و ... را جزء افعال فعالیتی بدانیم و با استفاده از نمودار بتوانیم آنها را از دیگر افعال فعالیتی جدا نماییم.
- براساس مدل کرافت ۲ نوع فعل فعالیتی داریم.
- ۱- افعال فعالیتی مستقیم:** در این نوع افعال با فرایندهایی تداومی و غیرمقید روبرو هستیم. در این نوع افعال یک حالت اولیه وجود دارد که قبل از شروع فعالیت می‌باشد و

۱- دسته فعالیتی غیرمستقیم می‌توانند استلزام معنایی نداشته باشند. مثل «گرم شدن»

کرافت آن را «حالت استراحت» می‌نامد و پس از آن گذر از حالت استراحت به آغاز رویداد را داریم. در این افعال فعالیت به صورت مستقیم ادامه می‌یابد و حالت نوسانی ندارد یعنی یک خط سیر مشخص دارد. (۴۳-۴۵)



(۴۳) سوپ یخ کرد.

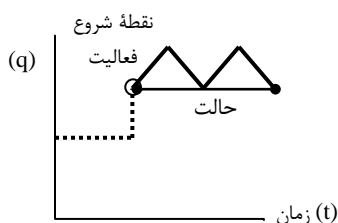
(۴۴) شیر خنک شد.

نمودار (۸)

(۴۵) هر ماه مبلغی را به حساب بانکی خود اضافه می‌کند.

در مورد افعال «خنک شدن» یا «گرم شدن» می‌توان گفت اگر درجه حرارت خاصی در نظر نباشد، این افعال به صورت فعالیتی هستند یعنی می‌توانند مستمر باشند اما اگر درجه حرارت خاصی در نظر باشد، تبدیل به افعال غایبند می‌شوند چون نهایت‌پذیر می‌شوند و به نهایی (درجه حرارت نهایی) که در ذهن ما می‌باشد رسیده‌اند.

۲- افعال فعالیتی غیرمستقیم: این افعال همان افعالی هستند که وندلر و دیگران آنها را از دسته افعال فعالیتی می‌دانند. این افعال فرایندهایی تداومی و غیرمقید هستند ولی برخلاف فعالیت‌های مستقیم نشان‌دهنده‌ی یک تغییر مستقیم و پیوسته روی محور (q) نیستند و نمی‌توانند به صورت مستقیم استمرار یابند. در این افعال علاوه بر مرحله اولیه یا حالت استراحت، دو مرحله دیگر روی محور (q) وجود دارد که فعالیت مورد نظر بین این دو مرحله نوسان رفت و برگشتی دارد.



نمودار (۹)

در این افعال مراحل تعریف شده روی محور (q) نمی‌توانند ترتیب داشته باشند و یا طوری منظم شوند که یک تغییر مستقیم و افزایشی در طول زمان را نشان دهند. البته روی نمودار گذر از یک مرحله به مرحله بعد نشان داده می‌شود ولی اگر فرضاً نتیجه ای در نظر باشد، این افعال به صورت مستقیم در جهت نتیجه پیش نمی‌روند. (۴۶-۴۷)

(۴۶) سال‌هاست که اسرائیل و فلسطین با هم می‌جنگند.

(۴۷) باد به شدت می‌وزید.

تفاوت عمده فعالیتی مستقیم و غیرمستقیم این است که در نوع مستقیم، روند افزایشی انجام فعل را می توان دید و یا میزان افزایش را اندازه گرفت. مثلاً در مورد جمله (۴۴) می توان درجه خنکی شیر و میزان پیشرفت آن را در طول زمان اندازه گرفت و این افعال به سؤال «چه مدت طول می کشد تا فعل انجام شود؟» پاسخ مثبت می دهند.

(۴۸) چه مدت طول می کشد تا شیر خنک شود؟

(۴۹) * چه مدت طول می کشد تا علی بدود؟

جمله ی (۴۹) هنگامی می تواند جمله ای دستوری باشد که فرضاً متممی مانند «مسیر از خانه تا مدرسه» وارد جمله شود که در این صورت سطح تحلیل گروه فعلی می شود نه خود فعل.

(۵۰) چه مدت طول می کشد تا علی مسیر از خانه تا مدرسه را بدود؟

در ضمن در مورد فعالیتی مستقیم میزان پیشرفت قابل پیش بینی است ولی در مورد نوع غیرمستقیم این گونه نیست.

(۵۱) تا چند لحظه ی دیگر شیر خنک تر می شود.

به طور کلی افعال فعالیتی چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، فرایندهای تداومی هستند و مراحل نمایش داده شده هم روی محور (t) و هم روی محور (q) گسترده می شوند و از این نظر با افعال ایستا که روی محور (q) به صورت یک نقطه هستند و با افعال حصولی که روی محور (t) به صورت یک نقطه هستند، متفاوت می باشند.

۳-۴- افعال غایتمند و زیرمجموعه های آن

بر اساس طبقه بندی وندلر و مشخصات [± نهایت پذیر] و [± مرحله ای] روستین (۲۰۰۴) افعال زیر جزء افعال غایتمند هستند که خصوصیات مشترکی نظیر خصوصیات زیر دارند.

تعمیر کردن، ساختن، پختن، تماس، نوشتن، جستجو کردن، خوردن، خریدن، بافت، سوختن، فرستادن

۱- این افعال نهایت پذیر هستند. یعنی به سمت یک نقطه ی پایان و اوج در حال حرکتند و به آن می رسند.

(۵۲) او ساندویچ را خورد.

۲- این افعال ناهمگن و نامتجانسند. مثلاً بخشی از «ساختن خانه» دلالت بر کل رویداد «ساختن خانه» ندارد.

۳- این افعال ویژگی انباشتگی ندارند. مثلاً اگر بگوییم «علی یک کیک خورد.» عمل خوردن به پایان رسیده است و اگر مجدداً کیک دیگری بخورد، در واقع رویداد دیگری شکل گرفته است و مجموعاً دو رویداد اتفاق افتاده است.

۴- این افعال با قید «ظرف مدت ...» همراه می‌شوند.

(۵۳) ظرف مدت / * به مدت ۶ ماه خانه را ساخت.

۵- این افعال شکل امری دارند.

(۵۴) با مادرت تماس بگیر.

۶- این افعال شکل استمراری دارند و در نتیجه افعال مرحله‌ای هستند.

(۵۵) علی در حال ساختن خانه است.

۷- با قیدهای مبنی بر کنش‌گری به کار می‌روند.

(۵۶) علی مشتاقانه با پدرش تماس گرفت.

افعال غایتمند به طور کلی سه مرحله‌ی نمایش دارند. ۱- مرحله‌ی آغاز ۲- مرحله‌ی تکمیل ۳- مرحله‌ی تغییر.

داشتن مرحله‌ی آغاز و تکمیل باعث می‌شود که افعال غایتمند را افعالی مقید بدانیم چرا که رویداد مقید رویدادی است که در آن مراحل گذر یعنی مراحل آغازین و پایانی نشان داده می‌شود. در افعال غایتمند مرحله‌ی آغاز و تکمیل از هم جدا هستند ولی در افعال حصولی که آنها هم مقید می‌باشند، مرحله‌ی آغاز و تکمیل جدا از هم نیست.

۱- افعال غایتمند مستقیم: در این افعال روند رسیدن به نتیجه به صورت مستقیم می‌باشد و از شروع مرحله‌ی آغازین تا مرحله‌ی پایانی یک پیشرفت یکنواخت در جهت رسیدن به نتیجه وجود دارد. (۶۰-۵۷)

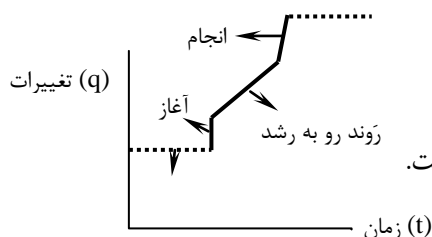
(۵۷) ظرف شش ماه خانه را ساخت.

(۵۸) همه‌ی دارایی‌اش در آتش‌سوزی سوخت.

(۵۹) زن روستایی قالی را در عرض یک سال بافت.

(۶۰) مادرم غذای لذیذی برای مهمانان پخت.

نمودار (۱۰)

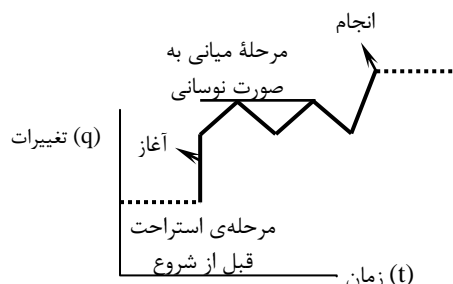


۲- افعال غایتمند غیرمستقیم: در این افعال همانند نوع مستقیم آن مرحله‌ی آغازی و پایانی وجود دارد اما مرحله‌ی میانی به شکل غیرمستقیم می‌باشد. یعنی روند

رسیدن به نتیجه مستقیم و قابل اندازه گیری نیست و به اصطلاح افزایشی^۱ نمی باشد. این افعال فرقی با حصولی ها در این است که لحظه ی نیستند و فرقی با دیگر افعال غایتمند در این است که افزایشی نیستند. (۶۱-۶۲)

(۶۱) برای پیدا کردن کتاب همه جا را جستجو کردم.

(۶۲) علی در حال تعمیر کامپیوتر است / علی ظرف ۳ ساعت کامپیوتر را تعمیر کرد.



نمودار (۱۱)

تفاوت افعال غایتمند مستقیم و غیرمستقیم نیز مانند افعال فعالیتی مستقیم و غیرمستقیم در این است که در افعال غایتمند مستقیم، روند پیشرفت فعل را می توان اندازه گرفت. با توجه به مطالب بالا و بررسی افعال به روش فوق جدول زیر بدست می آید.

ایستای گذرا	معتقد بودن، باز بودن، بسته بودن، خوشحال بودن، ناراحت بودن، عصبانی بودن.
ایستای پایدار اکتسابی	دانستن، داشتن، دوست داشتن، شکسته بودن، سوخته بودن، فرسوده بودن.
ایستای پایدار ذاتی	مرطوب بودن، شکستگی بودن، ایرانی بودن.
حصولی بازگشتی	باز شدن، خوشحال شدن، متأسف شدن، بسته شدن، گشوده شدن.
حصولی غیر بازگشتی	رسیدن، برداشتن، مردن، صلح کردن، تصادف کردن، گذاشتن، شکسته، پژمرده شدن، عصبانی شدن، دیدن
حصولی چرخشی	جیغ زدن، نق نق کردن، چراغ زدن.
فعالیتی مستقیم	کاسته شدن، اضافه شدن، خنک شدن، گرم شدن، یخ کردن.
فعالیتی غیرمستقیم	نواختن، گفتگو کردن، جنگیدن، هل دادن، کشیدن، گریستن، آواز خواندن، رقصیدن، رانندگی کردن، مشورت کردن.
غایتمند مستقیم	بافتن، ساختن، خریدن، خوردن، پختن، تماس گرفتن، فرستادن، نوشتن.
غایتمند غیرمستقیم	تعمیر کردن، جستجو کردن.

¹ -incremental

۴- نتیجه

در مورد ارتباط بین افعال و موضوع‌های آنها نظریه‌هایی مطرح شده و در این نظریه‌ها بر اهمیت ساخت رویدادی و نمودی افعال تاکید شده است؛ لذا از آنجایی که ساخت رویدادی و نمودی از عوامل معنایی تأثیرگذار بر رفتار نحوی افعال و بازنمایی موضوع-های آنها هستند، در این مقاله سعی شد تا از منظر ساخت رویدادی و نمودی به طبقه-بندی افعال زبان فارسی پرداخته شود. به همین منظور پیکره‌ای متشکل از ۶۰ فعل در نظر گرفته شد و در چهارچوب نظریه‌ی کرافت (۲۰۱۲) مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه‌ی این بررسی افعال به ۴ طبقه اصلی و ۱۰ طبقه فرعی تقسیم شدند.

منابع

- Comrie, B. 1976. *Aspect (An introduction to the study of verbal aspect and related problems.)* Cambridge university press.
- Croft, W. 2012. *Verbs: aspect and causal structure.* Oxford university press.
- Dowty, D.R. 1979. *Word meaning and Montague grammar.* Dordrecht Reidel.
- Kenny, A. 1963. *Actions, emotions and will.* London: Routledge and Kegan paul.
- Lakoff, G. 1966. Stative adjectives and verbs in English. In A.G. Oetinger (e d.). *Mathematical linguistics automatic translation*, Report NSF- 17, Aiken computation laboratory, Harvard university, Cambridge, MA, I- 1- I- 16.
- Levin, B. 2005. *Semantic prominence and argument realization.* Stanford university.
- Levin, B, and M. Rappaport. 2007. *Argument realization.* Cambridge university press.
- Perlmutter, D. M. 1978. Impersonal passives and the unaccusative hypothesis, BLS 4, *Berkeley Linguistics Society*, Berkeley, CA, 157-89.
- Ramchand, G. 2008. *Verb meaning and the lexicon: A first phase syntax.* Cambridge university press.
- Rothstein, S. 2004. *Structuring events.* Blackwell Publishing.
- Ryle, G. 1949. *The concept of mind.* London: Barnes and Nobles. Van Valian, R. 20005 . *Exploring the syntax-semantics interface.* Cambridge university press.
- Vendler, Z. 1957. Verbs and times. *Philosophical Review* LXVI:143-60.
- Vendler, Z. 1967. *Linguistics in philosophy.* Ithaca, NY; Cornell.